

Tahqīqāt-e Kalāmi

Islamic Theology Studies

An Academic Quarterly

Vol.11, No.41, July-September 2023

The Factors Affecting the Social Production of Faith from the Perspective of Qur'anic Verses and Narrations

Sayyedah Shima Anousheh¹

Abstract

Examining and precision in religious propositions show the importance of the role and responsibility that society has in strengthening and weakening faith, an issue that is referred to as "social production" in sociological literature, and its meaning ranges from formation, continuation and strengthening to weakening and the decline of faith in different social structures, situations or contexts are considered different or under their influence. Therefore, in case of weakness of an individual's faith and its consequences, the responsibility is not only on the individual, but also on the society to the extent that we can even talk about the greater responsibility of the society in weakening the individual faith. The present article has tried to examine the role of social factors affecting "faith" by referring to Islamic texts and using the "thematic analysis" method. The findings showed that the following three factors play a role in the social production of faith: "social ties" (including family ties, friendships and communication between people and prophets, spiritual leaders and religious scholars), "social culture and traditions" and "social crises and special situations" (such as disasters and social pressures and hardships such as the situation of war and *Jihād*).

Keywords: faith (*Imān*), social production of faith, culture, social crises, social ties.

1. Doctorate graduate of the Kalāme Imāmiyyah discipline, University of Qur'an and Ḥadīth.
sh.anousheh@gmail.com

الأبحاث الكلامية

فصلية - علمية بحثية

السنة الحادية عشرة، العدد الواحد والأربعون

ذى الحجة ١٤٤٤ - صفر ١٤٤٥ هـ

العوامل المؤثرة على الإنتاج الإجتماعى للإيمان من وجهة نظر الآيات والروايات

سيده شيما انوشه^١

الملخص

دراسة المعارف الدينية و الدقة فيها تشير الى اهمية دور المجتمع و مسؤوليته فى تقوية الايمان و تضعيفه، الامر الذى يسمى فى علم الاجتماع بالانتاج الاجتماعى؛ و يشمل نطاقه الدلالى من التكوين و الاستمرار و التقوية الى تضعيف الايمان و زواله فى المواقف و الانسجة او الهيكل الاجتماعى باشكال مختلفة او متأثرة منه؛ فمسئولية ضعف الايمان الفردى و عواقبه ليس على الفرد فحسب بل المجتمع هو المسئول ايضا الى حد يمكن القول عن مسئولية المجتمع الكبيرة حيال الايمان الفردى. هذا المقالة و بأسلوب تحليل المضمون حاولت دراسة دور العوامل الاجتماعية المؤثرة على الايمان عبر النصوص الاسلامية. تشير النتائج الى أنّ هناك ثلاثة عوامل فى الانتاج الاجتماعى و هى: «العلاقات الاجتماعية» (تشمل العلاقات العائلية، الصداقات و العلاقات بين الافراد و الانبياء و القادة المعنوية و علماء الدين)، «الثقافة و التقاليد الاجتماعية» و «الازمات و المواقف الاجتماعية الخاصة» (كالبلايا و الضغوط و الصعوبات الاجتماعية كالحرب و الجهاد).

الألفاظ المحورية

الإيمان، الانتاج الاجتماعى للإيمان، الثقافة، الازمات الاجتماعية، العلاقات الاجتماعية.

تحقیقات کلامی

فصلنامه علمی پژوهشی

انجمن کلام اسلامی حوزه

سال یازدهم، شماره چهل و یکم، تابستان ۱۴۰۲

عوامل مؤثر بر تولید اجتماعی ایمان از منظر آیات و روایات

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۲۶

سیده شیماناوشه^۱

تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۰۲/۱۵

چکیده

بررسی و دقت در گزاره‌های دینی بیانگر اهمیت نقش و مسئولیتی است که جامعه در تقویت و تضعیف ایمان دارد. موضوعی که در ادبیات جامعه‌شناختی از آن با عنوان «تولید اجتماعی» یاد می‌شود و گستره معنایی آن را از شکل‌گیری، استمرار و تقویت تا تضعیف و زوال ایمان در موقعیت‌ها، بافت‌ها یا ساختارهای اجتماعی متفاوت یا تحت‌تأثیر آن‌ها در نظر می‌گیرند. از این‌رو در صورت بروز ضعف ایمان فردی و پیامدهای آن، مسئولیت، نه تنها بر عهده فرد، بلکه بر عهده جامعه نیز هست تا جایی که حتی می‌توان از مسئولیت بیشتر جامعه در تضعیف ایمان فردی، سخن گفت. مقاله حاضر کوشیده است تا نقش عوامل اجتماعی مؤثر بر «ایمان» را با مراجعه به متون اسلامی و با شیوه «تحلیل مضمون» بررسی نماید. یافته‌ها نشان داد سه عامل در تولید اجتماعی ایمان نقش‌آفرینی می‌کنند: «پیوندهای اجتماعی» (شامل پیوندهای خانوادگی، دوستی‌ها و ارتباط میان افراد، پیامبران، رهبران معنوی و عالمان دینی)، «فرهنگ و سنت‌های اجتماعی» و «بحران‌ها و موقعیت‌های خاص اجتماعی» (همچون بلایا، فشارها و سختی‌های اجتماعی مانند موقعیت جنگ و جهاد).

واژگان کلیدی

ایمان، تولید اجتماعی ایمان، فرهنگ، بحران‌های اجتماعی، پیوندهای اجتماعی.

مقدمه

زیست انسان در بستر جامعه، ایمان او را تحت تأثیر فضاهای متنوع اجتماعی - اعم از مجازی یا حقیقی - دستخوش تغییر می‌کند. مسئله‌ای که دقت در گزاره‌های دینی بر وقوع آن صحنه می‌گذارند و در ادبیات جامعه‌شناختی نیز از آن با عنوان «تولید اجتماعی»^۱ یاد می‌شود که به معنای شکل‌گیری، استمرار، تقویت و یا تضعیف و زوال ایمان در موقعیت‌ها، بافت‌ها یا ساختارهای اجتماعی متفاوت و یا تحت تأثیر آن‌ها است.^۲ از این‌رو، در صورت بروز ضعف ایمان فردی و پیامدهای آن، مسئولیت، نه تنها بر عهده فرد، بلکه بر عهده جامعه نیز هست تا جایی که حتی می‌توان از مسئولیت بیشتر جامعه در تضعیف ایمان فردی، سخن گفت. این نگرش و فروکاستن از مسئولیت فرد در تضعیف ایمان، در مقابل تأثیرات جامعه، فضای اجتماع را از همدلی بالاتر نسبت به یکدیگر (افراد دارای درجات متفاوت از ایمان) بهره‌مند می‌کند و منجر به جلب توجه جامعه و مدیران آن به راهکارهای تقویت ایمان فردی و اهمیت آن می‌شود. در تحقیق حاضر، نقش عوامل اجتماعی مؤثر بر «ایمان» تنها با مراجعه به متون اسلامی و با شیوه «تحلیل مضمون» بررسی شده است که بر اساس این ویژگی، بحث درون‌دینی خواهد بود. از سوی دیگر، اخذ اصطلاح «تولید اجتماعی» از ادبیات «جامعه‌شناسی» پژوهش را از جنبه میان‌رشته‌ای برخوردار نموده است. با توجه به درون‌دینی بودن این تحقیق و وجود دو ویژگی زیر در مباحث متعارف دو حوزه جامعه‌شناسی دین و روان‌شناسی دین، از مراجعه به این مباحث، اجتناب شده است: (۱) بخش عمده‌ای از این مباحث، برون‌دینی و از سنخ مطالعه پدیده‌های بیرونی است که منشأ دینی دارند؛ (۲) مطالعات درون‌دینی این حوزه‌ها نیز از یک‌سو، نوین‌یاد هستند و گستره چندانی ندارند. از سوی دیگر، بیشتر ناظر به ادیانی همچون مسیحیت و یهودیت

1. Social production

۲. «تولید اجتماعی» اصطلاحی جامعه‌شناختی است که اندیشمندان اجتماعی آن را به‌عنوان یکی از شاخصه‌های امر اجتماعی در نظر می‌گیرند؛

Sumner, Collin. «The Social Nature of Crime and Deviance». in C. Sumner (ed.). The Blackwell Companion to Criminology. P 3.

البته در بدو امر به نظر می‌رسد واژه «تولید» صرفاً با «زایش» و یا واژگان مترادف با آن، سازگار است، اما به دلیل کاربرد تخصصی آن در ادبیات جامعه‌شناسی، علاوه بر مقولاتی همچون شکل‌گیری، استمرار و تقویت، «تضعیف و یا زوال» را نیز در معنای خود پوشش می‌دهد. از این‌رو چنانکه به‌عنوان مثال موقعیت‌های اجتماعی بر تضعیف پدیده‌ای اثرگذار باشند، اصطلاحاً آن پدیده را برخوردار از شاخصه «تولید اجتماعی» می‌دانند.

هستند؛ همچنین مطالعات ناظر به آموزه‌های اسلامی، بسیار محدود و نادرند و به طور ویژه، به موضوع مورد نظر در این تحقیق پرداخته‌اند.

علاوه بر این، مرور کلیدواژگانی پژوهش‌ها در این زمینه، انبوهی از مقالات و پایان‌نامه‌هایی را نشان می‌دهد که تأثیر ایمان بر اجتماع را کاویده‌اند، موضوعی که مقاله حاضر دقیقاً نقطه مقابل آن، یعنی اثر اجتماع بر ایمان را هدف قرار داده است. اما در این میان و در حوزه مباحث «تأثیر عوامل غیر معرفتی بر معرفت» تحقیقاتی انجام گرفته است که همچنان جای بررسی موضوع «تأثیر عوامل اجتماعی بر ایمان» (تولید اجتماعی ایمان) از منظر آیات و روایات خالی می‌نمود. افزون بر این پژوهش‌هایی که با عنوان «عوامل تقویت و زوال ایمان» انجام گرفته‌اند، در نگاه نخست با موضوع تحقیق حاضر هم‌پوشان به نظر می‌رسند؛ درحالی‌که تا جایی که بررسی شد در هیچ‌یک از این پژوهش‌ها، مسئله با رویکرد جامعه‌شناختی و با توجه به آیات قرآن کریم، مورد تبیین قرار نگرفته است.

در مجموع، مقاله حاضر در پی پاسخ‌گویی به این پرسش است که بر مبنای آیات و روایات، ایمان چگونه در مقام «تولید» با جامعه گره می‌خورد و چه عواملی در تولید اجتماعی ایمان نقش آفرینی می‌کنند؟ (منظور از اصطلاح «تولید اجتماعی ایمان» شکل‌گیری، استمرار، تقویت، تضعیف یا زوال ایمان در موقعیت‌ها، بافت‌ها یا ساختارهای اجتماعی متفاوت و یا تحت تأثیر آن‌ها است.)

۱. نقش پیوندهای اجتماعی در تولید ایمان

پیوندهای اجتماعی در شکل‌گیری، استمرار و تقویت و همچنین در تضعیف و زوال ایمان نقشی انکارناپذیر دارند. این پیوندها که اغلب از بن‌مایه‌هایی عاطفی برخوردارند، به الگوگیری و اثرپذیری افراد از یکدیگر و در نهایت به اطاعت یا فرمان‌پذیری منتهی می‌شوند. در ادامه نقش سه دسته از پیوندهای اجتماعی - «خانواده»، «دوستان» و «رهبران معنوی و پیامبران» - در «تولید اجتماعی ایمان» مورد بررسی قرار گرفته است.

۱-۱. نقش خانواده

خانواده به‌عنوان یک «نهاد اجتماعی»^۱ مجموعه‌ای از هنجارهای تثبیت‌شده در حیطه خاصی از زندگی اجتماعی است که موجب تحقق برخی کارکردهای اجتماعی - همچون

۱. نهادهای اجتماعی وسیله پیوند زندگی اجتماعی هستند. آن‌ها ترتیبات اساس زندگی را که انسان‌ها در کنش متقابل با یکدیگر پیدا می‌کنند و از طریق آن‌ها تداوم در طول نسل‌ها به دست می‌آید، فراهم می‌کنند (گیلنز، ۱۳۷۸: ۴۲۱).

کارکرد جایگزینی اعضا، حمایت‌های عاطفی، مراقبت و نگهداری و اجتماعی کردن - می‌شود. خانواده را می‌توان از عوامل بسیار مهم آموزش و پرورش به ویژه تعلیم و تربیت کودک به شمار آورد؛ چراکه بخش عظیمی از فرهنگ در خانواده و با تعامل پدر و مادر و احتمالاً فرزندان دیگر به عضو تازه‌وارد منتقل می‌شود و اولین و مهم‌ترین خشت‌های شخصیت او در خانواده بنا گذاشته می‌شود (صدیق اورعی، ۱۳۹۹: ۲۱۱-۲۱۲).

از آن‌جا که بخشی از تعالیم و دستورات دینی پذیرفته شده از سوی مردم، جزئی از فرهنگ آن‌ها می‌شود (صدیق اورعی، ۱۳۹۹، ۱۲۱)، می‌توان گفت لااقل بخش‌هایی از دین نیز توسط خانواده و در قالب «فرهنگ» و یا تحت‌تأثیر «آموزش‌های مستقیم و غیرمستقیم» به فرزندان یک خانواده منتقل می‌شود.

این مسئله در برخی از آیات قرآن کریم، تجلّی یافته است. آیاتی که به تلاش والدین بر القای عقیده شرک‌آمیز خود به فرزندان اشاره می‌فرماید، بر «تولید اجتماعی ایمان» دلالت دارند. بدین معنا که ایمان به حق تعالی و عقیده به توحید می‌تواند تحت تأثیر پیوندهای عاطفی خانوادگی، دچار تضعیف یا زوال گردد: «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا وَإِنْ جَاهَدَاكَ لِتُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا» (عنکبوت: ۸) و «وَإِنْ جَاهَدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا» (لقمان: ۱۵).

این آیات، گواهی بر امکان تأثیرپذیری عقاید انسان به دلیل مجاهدت‌های والدین او است. از این رو، خداوند انسان را به مقاومت در برابر آن فراخوانده است و از فرزندان می‌خواهد به رغم وجود علایق و دل‌بستگی‌های عاطفی، تحت‌تأثیر سخنان ایشان قرار نگرفته و ایمان به توحید را با باور نادرست والدین معاوضه نکنند. علاوه بر این شواهد که بر تأثیر خانواده بر ضعف و زوال ایمان دلالت دارند، آیه دیگری در قرآن کریم را می‌توان مؤید نقش آفرینی خانواده در استمرار ایمان دانست: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ» (تحریم: ۶)

با این توضیح که پس از شکل‌گیری ایمان در میان اعضای خانواده، آن‌ها - به‌خصوص والدین و سرپرستان - وظیفه‌ای سنگین در حفظ ایمان یکدیگر بر دوش دارند.

این آیه شریفه نگاه‌داری «خویشتن» و «خانواده» را عاملی برای فلاح و رستگاری و عدم گرفتاری در آتش دوزخ می‌داند. آتشی که هیزم آن خود افراد و سنگ‌ها هستند.^۱

۱. بر مبنای نظر برخی مفسران، این آیه بر «تجسم اعمال» دلالت دارد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱۹: ۳۳۴؛ قرآنی، ۱۳۸۸، ۱۰: ۱۲۸).

بر مبنای تفاسیر، نگهداری «خویشتن» به ترک معاصی و پرهیز از محرمات و انجام طاعات الهی است و نگهداری و محافظت از «خانواده» با امر به معروف و نهی از منکر و ایجاد فضای مناسب تربیتی و تعلیم و آموزش مناسب انجام می‌گیرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۲۴: ۲۸۶؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۷، ۱۳: ۳۳۴).

شاهد دیگر بر نقش خانواده در «تولید اجتماعی ایمان» را می‌توان از عبارت حضرت نوح علیه السلام درباره قوم خویش برداشت کرد، آن‌گاه که در باره آن‌ها نفرین کرده و به خداوند عرضه می‌دارد که: «رَبِّ لَا تَذُرْ عَلَيَّ الْأَرْضَ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيًّا * إِنَّكَ إِن تَذُرْهُمْ يَصِلُوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا» (نوح: ۲۶-۲۷). فراز «وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا» بر این امر دلالت دارد که افراد، تحت تأثیر فضای خانوادگی و اجتماعی زندگی خود، به سوی فجور و کفر گرایش می‌یابند و گاه هیچ بهره‌ای از هدایت نمی‌برند.

قرارگیری این آیه در کنار روایاتی که هر مولودی را برخوردار از «فطرت» می‌داند، نشان می‌دهد فطرت الهی انسان‌ها دستخوش انحراف‌های بیرونی که گاه در بستر خانواده رخ می‌دهد، قرار می‌گیرد و کارکرد خود را در هدایت افراد از دست می‌دهد: «كُلُّ مَوْلُودٍ يُوَلَّدُ عَلَيَّ الْفِطْرَةَ وَلَكِنْ أَبَوَاهُ اللَّذَانِ يَهُودَانَهُ وَيَنْصِرَانَهُ وَيَمَجْسَانَهُ» (ابن بابویه، ۱۳۹۸ق: ۳۳۰؛ مفید، ۱۴۱۴ق: ۶۱؛ علم الهدی، ۱۹۹۸م، ۲: ۸۲).

۲-۱. نقش دوست و هم‌نشین

دوستی به معنای معاشرت و گفت‌وگوی انسان با افرادی است که به آن‌ها علاقه و محبت دارد (فیض کاشانی، ۱۴۱۷ق، ۳: ۲۹۳). اگرچه هم‌نشینی‌ها و دوستی‌ها از فعل و انفعالات ساحت عاطفی وجود انسان سرچشمه می‌گیرند، اما تأثیر خود را در قلمرو رفتار یا معرفت (و عقیده) فرد به زودی نمایان خواهند کرد تا جایی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «مرد بر دین هم‌نشین خود است» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۲: ۳۷۵؛ طوسی، ۱۴۱۴ق، ۵۱۸؛ مجلسی، ۱۴۰۶ق، ۹: ۳۲)^۱.

شاید دلیل این مسئله را بتوان در الگوگیری‌های خواسته یا ناخواسته دوستان از یکدیگر جست‌وجو کرد.

در واقع محبت میان اشخاص، آن‌ها را به سوی هم‌شکلی و هم‌سویی در رفتار و عقیده

۱. المرء علی دین خلیله.

می‌کشاند. چیزی که می‌توان از آن با عنوان میل به «هم‌نوایی»^۱ یاد کرد و ایجاد آن به همبستگی و الفت نیاز دارد.^۲ به تجربه نیز بارها شباهت بسیار میان دو دوست را حتی در ظاهر آن‌ها دیده‌ایم.

این مسئله (تأثیر بُعد عاطفی بر ساحت رفتار و عقیده) مبنای بحث از «تأثیر دوست و هم‌نشین» در «تولید اجتماعی ایمان» است و نشان می‌دهد «ایمان» در پیدایش و شکل‌گیری، استمرار و تقویت و نیز تضعیف و زوال، تحت تأثیر موقعیت‌های اجتماعی ویژه‌ای همچون تعامل با دوستان و هم‌نشینان قرار می‌گیرد، مسئله‌ای که از میان آیات وحی و کلمات معصومان هم قابل برداشت است. آیاتی از قرآن کریم وجود پیوند دوستی میان مؤمنان و کافران یا اهل کتاب را «منافی ایمان» دانسته است: «لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ» (مجادله: ۲۲) و «لَا يَتَّخِذُ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ» (آل عمران: ۲۸).

نهی از به دوستی گرفتن کافران یا اهل کتاب، علتی در جهت تحقق اهداف هدایت‌گرانه قرآن دارد. توضیح آن‌که مؤمنان بایست خود را عضوی از پیکر واحدی در جامعه مسلمانان بدانند (کوفی اهوازی، ۱۴۰۲ق، ۳۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۷۱: ۲۳۴ و ۲۷۴؛ نوری، ۱۴۰۸ق، ۱۲: ۴۲۴)،^۳ در این صورت اتخاذ دوستی غیر مؤمن که عملاً جزئی از این پیکره نیستند، آثار سوایی را برای جامعه مسلمانان به بار می‌آورد. به هر ترتیب آن‌ها (دوستان غیر مؤمن) در پی هم‌سوسازی عقیده مؤمنان با خود، تلاش خواهند کرد: «وَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُوا فَتَكُونُونَ

۱. «هم‌نوایی» به معنی توافق درونی شده با قواعد، هنجارها و قراردادهایی است که در بیرون قرار گرفته‌اند. مانند زمانی که با یک گروه، یک تفکر قالبی، موازین قانونی یا آموزه‌های مذهبی سازگار می‌شویم.

۲. دورکیم، جامعه‌شناسی است که در مطالعات خود در باره جوامع و تقسیم‌بندی آن‌ها، به جای تکیه اصلی بر تعامل و هنجار و نظم، بر همبستگی اعضای جامعه با یکدیگر تکیه کرد. در این نگرش همبستگی‌های قوی، هم‌نوایی‌های قوی‌تری را نیز ایجاد می‌کنند و بالعکس هنگامی که الفت میان اعضای گروه کاهش یابد، همبستگی تضعیف شده، پیوندها سست و تعاملات گرم کاهش می‌یابد و در نهایت میل به هم‌نوایی نیز کاهش می‌یابد. در این صورت رنج من از اینکه دیگران رنج می‌برند، کاهش می‌یابد و گاه اطلاع من از اینکه دیگران از عمل من ناراضی‌اند، هیچ رنجی در من تولید نمی‌کند. در این حالت هنجارها و عوامل نظم تضعیف می‌شوند و وضعیت بی‌هنجاری و آنومی فراهم می‌شود. یعنی برای نظم، هنجارهای قوی و مؤثر لازم است و برای هنجارهای قوی و مؤثر، هم‌نوایی لازم است و برای هم‌نوایی قوی، الفت و همبستگی قوی لازم است. (صدیق اورعی، ۱۳۹۹: ۲۰۱-۲۰۲).

۳. المؤمنون في تبارهم و تراحمهم و تعاطفهم كمثل الجسد، إذا اشتكى كمثل الجسد، إذا اشتكى تداعى له سائرته بالسهر و الحمى.

سَوَاءٌ فَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ أَوْلِيَاءَ ﴿ (نساء: ۸۹) و ﴿وَدَّ كَثِيرٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ﴾ (بقره: ۱۰۹).

به نظر می‌رسد علت نهی از به دوستی گرفتن افرادی خارج از جامعه مؤمنین، به دلیل تأثیرپذیری در بینش و رفتار و بعد انتقال آن‌ها به جامعه خودی است. علامه طباطبایی ذیل تفسیر آیه شریفه ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ أُزْدَادُوا كُفْرًا لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيُغْفِرْ لَهُمْ وَلَا لِيُهْدِيَهُمْ سَبِيلًا﴾ (نساء: ۱۳۷) به این مسئله اشاره کرده و هم‌نشینی با کافران را دلیلی بر تأثیرپذیری از آن‌ها و خروج از ایمان به سوی کفر دانسته است؛ چنانکه «هم‌نشینی» دلیلی بر اثرپذیری از عقاید و در نتیجه تغییر آن از ایمان به کفر باشد، می‌توان گفت ضعف و زوال ایمان، تحت تأثیر حضور فرد در موقعیت‌های اجتماعی خاصی، انجام می‌پذیرد و این خود گواهی بر «تولید اجتماعی ایمان» است.

از سوی دیگر، نمایش پرده قیامت و آخرت در قرآن کریم، صحنه‌هایی از حسرت و تأسف برخی افراد به دلیل آسیب دیدن از دوستی‌های نامطلوب را نشان می‌دهد: ﴿وَيَوْمَ يَعْصُ الظَّالِمُ عَلَىٰ يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا * يَا وَيْلَتَىٰ لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا * لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي﴾ (فرقان: ۲۷-۲۹).

در این آیه شریفه فرد حسرت‌زده، اینک که پرده‌ها فروافتاده‌اند،^۱ خود را بسیار نزدیک به نجات و رستگاری می‌دیده است، اما دوست و هم‌نشینش را عاملی در کجروی و انحراف خود و عدم دستیابی به فلاح می‌داند.^۲

آیاتی از سوره مبارکه صافات نیز همین مسئله را با بیانی دیگر مطرح می‌فرماید، البته این‌جا درست در نقطه مقابل آیات فوق «تولید اجتماعی ایمان» از زبان نجات‌یافتگان و اهل بهشت برداشت می‌شود: ﴿قَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ إِنِّي كَانَ لِي قَرِيبٌ * يَقُولُ أَإِنَّكَ لَمِنَ الْمُصَدِّقِينَ * إِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَإِنَّا لَمَدِينُونَ * قَالَ هَلْ أَنْتُمْ مُطَّلِعُونَ * فَاطَّلَعَ فَرَآهُ فِي سَوَاءِ الْجَحِيمِ * قَالَ تَاللَّهِ إِن كِدْتَ لَتُرْدِينَ * وَلَوْلَا نِعْمَةُ رَبِّي لَكُنْتُ مِنَ الْمُحْضَرِينَ﴾ (صافات: ۵۱-۵۷).

واژه «تردین» از ماده «ارداء» به معنای ساقط شدن از مکانی بلند، چون قله کوه است و این عبارت معنای کنایی «هلاک شدن» را با خود حمل می‌کند (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ۱۷: ۱۳۸) و

۱. ﴿لَقَدْ كُنْتُمْ فِي غَفْلَةٍ مِنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ﴾ (ق: ۲۲).

۲. خلیل به معنای مصاحب، هم‌نشین و هم‌صحبتی است که محرم اسرار انسان است (مصطفوی، ۱۲۱: ۳).

می‌فرماید: «به خدا سوگند می‌خورم که نزدیک بود تو مرا هم مثل خودت هلاک کنی و بدین جا ساقط سازی که خودت سقوط کردی.»

محتوای این آیه، علاوه بر این‌که از «امکان» تأثیرگذاری دوست و هم‌نشین بر سرنوشت انسان سخن می‌گوید و برخی دوستی‌ها را مایه زوال ایمان می‌داند، اما در بطن خود به نقش اراده و اختیار انسان در پرتو بهره‌گیری از هدایت الهی اشاره می‌فرماید. به بیان دیگر، اگرچه پیوندهای اجتماعی در تولید اجتماعی ایمان نقش مؤثری دارند، اما علت تأمه‌ای برای آن محسوب نمی‌شوند.

در روایات اهل بیت^{علیهم‌السلام} نیز از مجالست و هم‌نشینی با برخی افراد نهی گردیده است. گاه روایات به تصریح، علت چنین نهی‌ای را حفظ دین و ایمان شخص دانسته‌اند که این خود دلیلی بر «تولید اجتماعی ایمان» است و نشان می‌دهد ایمان تحت تأثیر روابط دوستانه شدت و ضعف پذیرفته و گاه نابود می‌شود.^۱

۳-۱. نقش پیامبران، رهبران معنوی و عالمان دینی

از دیگر عوامل اجتماعی تأثیرگذار بر «تولید ایمان»، برقراری پیوندهای اجتماعی با پیام‌آوران الهی، رهبران معنوی و عالمان دینی جوامع است. شواهد و آموزه‌های دینی از نقش پررنگ «پیامبران» در شکل‌گیری، استمرار و تقویت ایمان، پرده برمی‌دارد و برای «رهبران معنوی و عالمان دینی»، گاه از نقشی مثبت و گاه نیز از نقشی منفی (در تضعیف و زوال ایمان) یاد می‌کند.

۳-۱-۱. نقش پیامبران الهی

ایمان، تحت تأثیر موقعیت‌های ارتباطی - اجتماعی ویژه‌ای با پیامبران الهی (یا جانشینان ایشان) در وجود انسان‌ها شکل می‌گیرد، استمرار می‌یابد و تقویت می‌شود و عدم حضور پیامبران نقصی در دستگاه هدایت الهی ایجاد می‌کند و ارزیابی ایمان را با مشکل مواجه می‌سازد.

از این رو است که در دیدگاه قرآن کریم، امت‌ها هرگز بدون رسول رها نشده‌اند «وَلِكُلِّ أُمَّةٍ

۱. «إِنَّا كُمْ وَمَجَالِسَةُ الْمُلُوكِ وَأَبْنَاءِ الدُّنْيَا، فِي ذَلِكَ ذَهَابُ دِينِكُمْ» (جمعی از علما، ۱۳۸۱، ۲۰۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۷۲: ۳۶۷؛ نوری، ۱۴۰۸، ۸: ۳۳۷) و «خُلِقَتْ أِبْنَاءُ الدُّنْيَا تَشْبَهَ الْيَقِينِ، وَ تُضَعَّفُ الْيَقِينَ» و شریف مرتضی، ۱۴۱۴، ۱۱۷؛ «مَجَالِسَةُ أَهْلِ الْهَوَى مُتَسَاةٌ لِلْإِيمَانِ، وَ مَخْضِرَةٌ لِلشَّيْطَانِ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ۱، ۳۶۳).

رَسُولٌ ﴿یونس: ۴۷﴾ و همواره نذیری در میان آن‌ها وجود داشته است ﴿وَإِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ﴾ (فاطر: ۲۴).

از اهداف اجرای این سنت الهی، اتمام حجت خداوند بر بندگان خویش در مسئله ایمان‌آوری و توحید بوده است؛ چنانکه آیاتی از قرآن کریم بر این مسئله تأکید می‌ورزد: ^۱ «وَلَوْلَا أَنْ تُصِيبَهُمْ مُصِيبَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ فَيَقُولُوا رَبَّنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنَتَّبِعَ آيَاتِكَ وَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» (قصص: ۴۷) بر اساس این آیه، رسیدن مصیبت به جامعه در اثر رفتارهای ناشی از بی‌ایمانی بوده است. خداوند می‌فرماید که اگر مصیبت پیش از ارسال رسل اصابت می‌کرد، محلی برای اعتراض مردم باقی بود؛ اما با ارسال رسل، حجت بر مردم تمام شده است و در صورت سرکشی و عدم اطاعت از رسول، مردم مطابق سنت‌های الهی دچار مصیبت خواهند شد. با توجه به صراحت آیات مبنی بر عدم مؤاخذه و عقوبت افراد پیش از ارسال رسل، ارتباط روشنی میان حضور پیامبران در جوامع و ایمان‌آوری اشخاص وجود دارد. بنابراین این آیات گواه آنند که ایمان، از «تولید اجتماعی» برخوردار است؛ چرا که تحت تأثیر موقعیت‌های اجتماعی (ارتباط با پیامبران الهی) شکل می‌گیرد و استمرار و اشتداد می‌یابد.

۲-۳-۱. نقش رهبران معنوی و عالمان دینی

گاه تاثیر رهبران معنوی و عالمان دینی بر تولید ایمان، از جلب محبتی نشأت می‌گیرد که به سبب وجود جاذبه‌های شخصیتی و اخلاقی در آن‌ها، روح کمال‌گرای انسان‌ها را به دنبال خود می‌کشاند. جاذبه‌هایی که از عمل به دستورات دینی برخاسته و عالمان را الگویی برای دین‌داری قرار داده است و مردم را پذیرای کلام معرفتی و نصایح اخلاقی آن‌ها می‌سازد.

چنانکه در قرآن کریم حضور عالمان دینی در جامعه مسیحیان، یکی از دلایل شکل‌گیری ایمان اسلامی در میان ایشان به شمار رفته است: «لَتَجِدَنَّ أُمَّةً تُشْرِكُوا بِاللَّهِ وَمُؤَدَّةً لِّلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا وَلَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُمْ مَوَدَّةً لِّلَّذِينَ آمَنُوا الَّذِيْنَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَىٰ ۚ ذٰلِكَ بِأَنَّ مِنْهُمْ قِسِيَسِينَ وَرُهْبَانًا وَأَنَّهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ» (مانده: ۸۲). در فراز انتهایی آیه، علت تمایز مسیحیان با یهودیان در تعامل با مسلمانان بیان شده و برای جامعه مسیحی سه ویژگی برشمرده است: (۱) وجود عالمان دینی یا رهبران معنوی یا کشیش‌ها در جامعه (که معارف و احکام را برای مردم بیان می‌کردند و مسئولیت

۱. «وَلَوْلَا أَنَا أَهْلَكْنَاهُمْ بِعَذَابٍ مِّن قَبْلِهِ لَقَالُوا رَبَّنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنَتَّبِعَ آيَاتِكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَذِلَّ وَنَخْزَىٰ» (طه: ۱۳۴) و «رَسُولًا مُّبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا» (نساء: ۱۶۵).

راهبری دینی آن‌ها را برعهده داشتند)، ۲) وجود افرادی مؤمن و پایبند به قوانین و مقررات شریعت (راهبان) و ۳) نداشتن روحیه استکباری و حق‌ناپذیری از سوی مردم. این سه ویژگی موجب نزدیکی و قرب مسیحیان به مسلمانان و ایجاد پیوندهای عاطفی میان ایشان شده بود که این خود می‌توانست عاملی در گرایش ایشان به سوی دین اسلام و ایمان‌آوری به پیامبر اکرم ﷺ باشد (مسئله‌ای که به تجربه نیز در طول سالیان متمادی به اثبات رسیده است و حق‌گرایان مسیحی را به سوی باور به عقیده اسلام رهنمون می‌شود) (طباطبایی، ۱۳۹۰، ق، ۶: ۸۱).

بنابراین، مطابق آیه اولاً «رهبران معنوی» در شکل‌گیری «مودت» میان افراد جامعه مسیحی با مسلمانان نقش داشته‌اند و ثانیاً در قدم بعد، وجود عالمان دینی مسیح، در شکل‌گیری ایمان مردم و اسلام آوردنشان اثرگذار بوده است که این خود نشان‌دهنده نقش عالمان دینی در «تولید اجتماعی ایمان» است؛ چنانکه «ایمان» را به معنای عام آن یعنی «عقدالقلب» در نظر بگیریم، کاوش در میان آموزه‌های دینی، نقش رهبران معنوی گروه‌هایی از مشرکین را نیز در تثبیت عقاید باطل آن‌ها در میان مردم، آشکار می‌سازد و از آن‌جا که عقدالقلب نسبت به باطل، مانع از شکل‌گیری ایمان صحیح در وجود انسان می‌شود، می‌توان از نقش عالمان آیین‌های کفر و شرک در ممانعت از شکل‌گیری ایمان یاد کرد.

در واقع بحث از نقش رهبران معنوی آیین‌های شرک و کفر در تولید ایمان از دو جهت قابل طرح است: اول، از این حیث که ایشان در شکل‌گیری و تقویت و استمرار عقاید باطل شرک و کفرآمیز در میان مردم نقش داشته‌اند. در این صورت، چنانکه ایمان را به معنای عام آن در نظر بگیریم، می‌توانیم از سهم این رهبران در تولید اجتماعی ایمان (به معنای عقد قلبی نسبت به عقاید خاص ایشان) سخن بگوییم.

دوم، از این جهت که حضور و فعالیت رهبران معنوی آیین‌های شرک و کفر، مانع از شکل‌گیری ایمان صحیح در میان مردم می‌شده و آن‌ها را از پذیرش سخن حق دور می‌ساخته است. در این صورت نیز چون می‌توان از نقش این رهبران در تضعیف یا زوال ایمان یاد کرد، می‌توان از سهم آن‌ها در «تولید اجتماعی ایمان» سخن گفت؛ چرا که در تعریف تولید اجتماعی ایمان - چنانکه پیش‌تر بیان شد - علاوه بر شکل‌گیری، تقویت و استمرار ایمان، «تضعیف و زوال ایمان» نیز تحت تأثیر موقعیت‌های اجتماعی جای گرفته است.

قرآن کریم به آراستگی و مزین بودن سخنان و دستورات باطل و حتی خلاف وجدان و اخلاق انسانی برخی از رهبران معنوی مشرکین در نظر پیروانشان اشاره می‌فرماید: «وَكَذَلِكَ زَيْنَ

لِكثِيرٍ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ قَتَلَ أَوْلَادَهُمْ شُرَكَاءُهُمْ لِيُزِدُوهُمْ وَلِيَلْبِسُوا عَلَيْهِمْ دِينَهُمْ» (انعام: ۱۳۷) مطابق تفاسیر، منظور از «شُرَكَاءُهُمْ» عبارت است از خدمت‌گزاران و متولیان بتکده‌ها یا مردم گمراه و یا شیاطین (طبرسی، ۱۳۷۲، ۴: ۵۷۲؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ۷: ۳۶۱) که قتل فرزندان را در نظر مشرکان چنان زینت می‌دادند که آن‌ها به نیت عبادت و با افتخار آن را انجام می‌دادند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۵: ۴۵۱).

منظور از «ارداء» در ادامه این آیه، هلاک کردن و در اینجا مراد هلاک نمودن مشرکان به کفران نعمت خدا و ستم بر مخلوق او و «لبس» به معنای خلط کردن است؛ بدین معنا که رهبران معنوی، دین باطل آنان را به صورت حق در نظرشان جلوه دادند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۷: ۳۶۱) و عملاً «مانع» از شکل‌گیری ایمان صحیح در وجودشان شدند.^۱

۲. نقش فرهنگ و سنت‌های اجتماعی در تولید ایمان

از دیگر عوامل اجتماعی تأثیرگذار بر تولید ایمان، فرهنگ و سنت‌های جوامع است. بدین معنا که بر اساس شواهدی از میان متون دینی، می‌توان «ایمان» را امری دانست که تحت‌تأثیر فرهنگ و سنت‌های اجتماعی، شکل می‌گیرد، تقویت و استمرار می‌یابد و یا دچار تضعیف و زوال می‌گردد. «فرهنگ» به معنای روش‌های زندگی اعضای یک جامعه یا گروه‌های یک جامعه است که می‌تواند نحوه لباس پوشیدن، آداب و رسوم ازدواج و زندگی خانوادگی، الگوهای کار، آیین‌های دینی و تفریح و فراغت را در بر گیرد، البته در تلفی دیگری از «فرهنگ» این مقوله، با کارهای فکری و ذهنی متعالی برابر است (گیدنز، ۱۳۷۸: ۳۴)؛ بنابراین، به‌طور کلی می‌توان فرهنگ را به معنای مجموعه‌ای از دانش و عقاید، هنرها، اخلاق و رسوم و سایر آموخته‌های اجتماعی انسان دانست (کوش، ۱۳۸۱: ۲۷) که متن و زمینه همگانی و مشترکی تشکیل می‌دهند که افراد جامعه، زندگی خود را در آن می‌گذرانند (گیدنز، ۱۳۷۸: ۳۵).

بسیاری از آداب و رسوم و سنت‌های اجتماعی، جزئی از فرهنگ یک جامعه به‌شمار می‌روند و مردم، اغلب خود را پایبند و ملتزم به رعایت آن‌ها می‌دانند. این پایبندی که احتمالاً ریشه در «تقلید و الگوگرایی»، «میل به هم‌نوایی با دیگر افراد»، «عادت» و یا «تعصب» دارد، مجالی به اندیشیدن درباره صحت و سقم آن‌ها به فرد نمی‌دهد، پس در مواردی می‌تواند از

۱. افزون بر این آیه ۲۱ از سوره ابراهیم را نیز می‌توان گواه دیگری بر «نقش رهبران معنوی جامعه» در «تولید اجتماعی ایمان دانست.

شکل‌گیری ایمان در افراد ممانعت به عمل آورد. این اتفاق زمانی روی می‌دهد که گزاره‌های پیشنهادی پیامبران یا مبلغان دین، در تضاد آشکار با آداب و سنت‌های جامعه باشد. در این صورت، برخی افراد - که به شدت تحت‌تأثیر فرهنگ و سنت‌های اجتماعی هستند - برای حفظ آن‌ها در برابر سخن تازه، موضعی منفی اتخاذ می‌کنند. از همین‌رو است که آیات متعددی از قرآن کریم، افراد را به تفکر و اندیشه‌ورزی دعوت می‌فرماید.

خداوند در قرآن کریم به پاسخ کفار در برابر دعوت انبیا بر پیروی از «آنچه خداوند نازل کرده است» اشاره می‌فرماید: «وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَفْقَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا» (بقره: ۱۷۰). کلمه «الفینا» از مصدر الفاء به معنی «یافتن» است: «ما جز از آن‌چه که پدران خود را بر آن یافته‌ایم، پیروی نمی‌کنیم.» این عبارت نشان از تأثیر عمیق فرهنگ و سنت‌های اجتماعی در رفتار افراد دارد و بدین معنا است که «ما پدران خود را در هر حالی و بر هر وصفی که بودند، چه صحیح و چه غلط، پیروی می‌کنیم و می‌گوییم: آنچه آن‌ها می‌کردند حق است.» (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ۱: ۴۱۹) گویی دلستگی به سنت‌های اجتماعی و تبعیت از آن‌ها راه اندیشیدن و انتخاب صحیح را بر ایشان سد کرده است. بنابراین در ادامه آیه می‌فرماید: «أَوَلَوْ كَانُوا آبَائِهِمْ لَمْ يَأْتُوا بِآيَاتٍ مِثْلَ مَا أُتُوا بَلْ كَانُوا هَادِينَ فَاتَّبَعُوا مَا كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ خَبِيرٌ»؛ حتی اگر پدرانشان، نه چیزی می‌فهمیدند و نه هدایت یافته بودند، آیا باز جایز بود که از ایشان تبعیت کنند؟

همچنین قرآن کریم، دلیل کافران بر عدم پذیرش ایمان را تبعیت از راه و رسم گذشتگان ذکر می‌فرماید: «بَلْ قَالُوا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِم مُّهُتَدُونَ» (زخرف: ۲۲). این که بر اساس این آیه، کافران خود را هدایت‌یافته می‌دانسته‌اند، نشان از اعتمادی دارد که به سنت‌های اجتماعی داشته‌اند. در واقع ایشان چون پدران خود را - که در نظرشان ارجمند بوده‌اند - بر راه و رسم ویژه‌ای دیده‌اند. این رسوم برایشان اعتبار و اهمیت یافته و حقایق آن‌ها را هم برداشت کرده‌اند. همین امر در وجودشان سدی را برای گوش سپردن به سخنان تازه و تعقل در آن‌ها ایجاد کرده است که گاه با گفتارهای تبیہی یا تندی انبیا، فرو می‌ریخته است. در واقع پایبندی و التزام بی‌دلیل به سنت‌های گذشتگان، مانعی مهم در ایمان‌آوری افراد به شمار می‌رفته است که این امر نشان از برخورداری ایمان از شاخصه «تولید اجتماعی» دارد.^۱ آیه‌ای دیگر در قرآن کریم وجود دارد که می‌تواند گواه دیگری بر نقش فرهنگ و محیط

۱. آیات دیگری از قرآن کریم بر این مسئله اشاره دارد: یونس: ۷۸، انبیا: ۵۳-۵۴، شعراء: ۷۱-۷۴.

اجتماعی بر شکل‌گیری یا زوال ایمان افراد باشد. کلام الهی، اعراب بادیه‌نشین را چنین توصیف فرموده است: «الْأَعْرَابُ أَشَدُّ كُفْرًا وَنِفَاقًا وَأَجْدَرُ أَلَّا يَعْلَمُوا حُدُودَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ» (توبه: ۹۷). منظور از «اعراب»، گروهی از مردم بودند که در اجتماعات کوچک و ابتدایی، زندگی می‌کردند و بادیه‌نشین و صحراگردی ویژگی آن‌ها بود (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴ق، ۲: ۲۱۴). همین مسئله آن‌ها را از تعلیم و آموزش که جزو مظاهر مهم فرهنگی است، دور ساخته بود. از این رو قرآن کریم می‌فرماید: «در اعراب بادیه‌نشین، به دلیل داشتن زندگی بدوی (مصطفوی، ۱۳۶۸، ۸: ۷۴) و به دور از مظاهر فرهنگ و تمدن، کفر و نفاق با شدت بیشتری خود را نمایان می‌کند و اینان نسبت به احکام و حدود الهی، سزاوارترند که ناآگاه باشند.»^۱ بنابراین می‌توان گفت محیط زندگی و فرهنگ متأثر از آن در «تولید اجتماعی ایمان» نقش آفرینی می‌کند.

۳. نقش بحران‌ها و موقعیت‌های خاص اجتماعی در تولید ایمان

انسان‌ها گاه در زندگی با موقعیت‌های اجتماعی ویژه‌ای روبه‌رو می‌شوند که می‌تواند تأثیرات عمیقی بر افکار، عقاید و ایمان یا حتی بر شخصیت آن‌ها داشته باشد. در برخی از آیات قرآن کریم، سخن از زیادت یا زوال ایمان تحت تأثیر برخی موقعیت‌های اجتماعی است.

۳-۱. بلایا و فشارهای اجتماعی

قرآن کریم به قرار گرفتن برخی افراد در موقعیت‌های اجتماعی خاصی اشاره می‌فرماید که مانع از پذیرش ایمان در آن‌ها می‌شود. برای نمونه آیه‌ای که هراس از «تخطف» از سوی اعراب مشرک را دلیلی بر عدم ایمان‌آوری می‌داند و می‌فرماید: «وَقَالُوا إِن تَتَّبِعِ الْهُدَىٰ مَعَكَ نَتَّخِطُّ مِنْكَ أَزْوَاجًا» (قصص: ۵۷).

تخطف به معنای اختلاس با سرعت و به زبان ساده به معنای «قاییدن» است؛ ولی در بیان برخی (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ۳: ۴۲۳؛ کاشانی، ۱۳۱۳، ۷: ۹۲)، «خطف» و «تخطف» به این معنا است که شخصی را از همه طرف و از هر جهت برابند و گویا تعبیر به تخطف از

۱. اگرچه شرایط جغرافیایی و محیطی در دور ماندن اعراب بیابان‌گرد از فرهنگ و تمدن مؤثر بوده است، اما ممکن است با محرومیت‌زدایی و برخورداری از امکانات، افراد در همان محیط رشد کنند و از فرهنگی متعالی برخوردار شوند. بنا بر این مسئله عده‌ای تأثیر شرایط جغرافیایی بر فرهنگ را کم‌رنگ دانسته‌اند (اگ برن، ۱۳۸۸: ۱۳۰)، البته رابطه و اثرگذاری فرهنگ بر ایمان همچنان به قوت خود باقی است.

سرزمین، استعاره و منظور کشتن، اسیر کردن و غارت کردن باشد، گویا خود آنان و آنچه متعلق به ایشان است از اهل و مال همه یکجا قاپیده می‌شوند؛ به طوری که شهر از ایشان و متعلقاتشان خالی می‌گردد (طباطبایی، ۱۳۹۰، اق، ۱۶: ۶۰).

به هر جهت، آیه درصدد بیان این موضوع است که برخی از ساکنین مکه، از ترس آزار و اذیت دیگر مشرکان، ایمان نمی‌آوردند، هر چند بر حقانیت دعوت پیامبر اکرم اذعان داشتند: ﴿إِنْ تَتَّبِعِ الْهَيْدَىٰ مَعَكَ﴾. این مسئله در شأن نزول آیه نیز به خوبی نمایش داده شده است. بر اساس تقاسیر، شخصی به نام «حارث بن نوفل» خدمت پیامبر اکرم رسید و عرض کرد: «اگر چه ما می‌دانیم که گفتار شما حق است، اما ترس از هجوم عرب بر ما، مانع از ایمان به شما و پیروی می‌شود...» (زمخشری، ۱۴۰۷، اق، ۳: ۴۲۲؛ و طبرسی، ۱۳۷۲، ۷: ۴۰۶).

بنابراین، «فشارهای اجتماعی» که می‌توانست منجر به قتل، آوارگی و غارت شود، مانع ایمان‌آوری به شمار رفته است. (هرچند ریشه این مسئله را می‌توان در عدم شناخت و آشنایی با قدرت پروردگار و ضعف در معرفت افراد دانست.)

افزون بر این شواهد دیگری در آیات قرآن کریم وجود دارد که بر شکل‌گیری یا اشتداد ایمان، تحت‌تأثیر موقعیت‌های سخت و فشارهای اجتماعی دلالت دارند. در این آیات، واژه کلیدی «ضُرٌّ»، به معنای هر گونه آسیب و نقصانی که به انسان وارد شود (ابن فارس، ۱۴۰۴، اق، ۳: ۳۶۰؛ فراهیدی، ۱۴۰۹، اق، ۷: ۶)، از نظر مالی یا جانی یا... (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، اق، ۵۰۳) در گستره‌ای عام مطرح شده و می‌تواند شامل آسیب‌ها یا فشارهای اجتماعی نیز باشد: ﴿وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ الضُّرُّ دَعَانَا لِجَنبِهِ أَوْ قَاعِدًا أَوْ قَائِمًا فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُ ضُرَّهُ مَرَّ كَأَنْ لَمْ يَدْعُنَا إِلَىٰ ضُرِّ مَسَّهُ﴾ (یونس: ۱۲)، ﴿وَإِذَا مَسَّ النَّاسُ ضُرًّا دَعَوْا رَبَّهُمْ مُنِيبِينَ إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا آذَقَهُمْ مِنْهُ رَحْمَةً إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ بِرَبِّهِمْ يُشْرِكُونَ﴾ (روم: ۳۳) و ﴿فَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَانَا ثُمَّ إِذَا خَوَّلْنَاهُ نِعْمَةً مِّمَّا قَالِ إِنَّمَا أُوتِينَاهُ عَلَىٰ عِلْمٍ﴾ (زمر: ۴۹).

گویا فرارگیری انسان در موقعیت‌های سخت و فشارهای اجتماعی (یا طبیعی یا ...) موجب شکوفایی معرفت فطری توحیدی در وجود او می‌شود، از این رو می‌توان «وجود فشارها و سختی‌های اجتماعی» را دلیلی بر تولید ایمان دانست و بر مبنای آیات فوق نشان داد که ایمان، تحت‌تأثیر موقعیت‌های گوناگون اجتماعی، شکل می‌گیرد و یا اشتداد می‌یابد، همان‌گونه که در بسیاری مواقع، بعد از برطرف شدن فشارها، و فرارگیری انسان‌ها در موقعیت‌های مطلوب اجتماعی، ممکن است، تضعیف گردد و یا زوال پذیرد.

۳-۲. جنگ و جهاد

استعمال دو واژه «جنگ» و «جهاد»^۱ بسته به بستر و زمینه کاربرد آن، از دورویکرد متفاوت در یک عمل واحد حکایت دارد. به عبارت دیگر «جنگ» دارای گستره معنایی وسیع‌تری است که جهاد را نیز در بر می‌گیرد و جهاد در اسلام به معنای پیکار با دشمن به منظور تأمین آزادی تبلیغ دین، محکم ساختن پایه‌های صلح و به دست آوردن سعادت مادی و معنوی انسان‌ها، با رعایت اصول جوانمردی و شرافت است.

بر مبنای آیات قرآن کریم، جنگ و جهاد (هر دو) در «تولید اجتماعی ایمان»، نقش آفرینی می‌کنند. بدین ترتیب که فرارگیری انسان‌ها در چنین موقعیت‌هایی، گاه موجب تضعیف یا زوال ایمان آنان و گاه موجب تقویت و اشتداد ایمانشان می‌شود. این درحالی است که بررسی تاریخ جنگ‌ها می‌تواند از ایفای نقش ایمان، لااقل در بسیاری از آن‌ها پرده بردارد؛ بدین معنا که جنگ‌های بسیاری در طول تاریخ برای القای عقاید و تحمیل باورها و ایمان‌ها به دیگران اتفاق افتاده است.

در قرآن کریم نیز به نقش جنگ در حفظ مظاهر و شعائر دینی، و در نهایت، حفظ ایمان به خدا، چنین اشاره شده است: «الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبَّنَا اللَّهُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفُتِنَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ» (حج: ۴۰). در این آیه، حق تعالی اذن جهاد را به جهت ظلم روا شده بر مسلمانان مکه، صادر فرموده است و به‌طور کلی اشاره می‌فرماید که در صورت عدم دفع فتنه برخی از مردم توسط برخی دیگر، (با پیش‌روی ظالمان و امتداد رویه ایشان) هیچ اثری از مظاهر و شعائر دینی باقی نمی‌ماند؛ چراکه ظالمان و کفار درصدد خاموشی نور الهی، همه مظاهر دین را از بین می‌برند و بدین‌وسیله سعی در کم‌رنگ کردن و زوال یادخدا در میان مردم دارند. بنابراین «جنگ» و «جهاد» راهکاری برای مقابله با ایشان و سدّی در برابر خواسته‌های آن‌ها است. از این رو، می‌توان این مسئله را در تولید ایمان، مؤثر دانست.

علاوه بر این، خداوند در قرآن کریم به تلاش کافران در بازگرداندن مؤمنان از ایمان و آیین خود اشاره می‌فرماید: «وَلَا يَزَالُونَ يَقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا» (بقره: ۲۱۷). این تلاش در قالب جنگ و مقاتله با مؤمنان انجام می‌گیرد و بیانگر ایجاد موقعیت و فشاری اجتماعی

۱. موقعیت مقابله با دشمنان و دفع فتنه‌های آنان، اگرچه خود نوعی وضعیت غیرعادی و فشاری اجتماعی به شمار می‌رود، اما به دلیل اهمیت آن و تأثیر مهمی که بر «تولید اجتماعی ایمان» می‌گذارد، در بخشی جداگانه مورد بررسی قرار گرفته است.

است که مؤمنان را به ارتداد و بازگشت از دین و ایمان خود مجبور می‌سازد. (اگرچه در ادامه آیه به ناتوانی آن‌ها از رسیدن به هدفشان اشاره می‌فرماید)، البتّه در برخی تفاسیر (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۲: ۱۱۲؛ قرآنی، ۱۳۸۸، ۱: ۳۳۸) معنای جنگ وسیع‌تر از قتال و جنگ سخت دانسته شده است و هر گونه تلاشی، اعم از تبلیغاتی یا فرهنگی (جنگ‌های نرم) از سوی دشمنان، ایجاد نوعی فشار بر مؤمنان در جهت تضعیف و زوال ایمان آن‌ها محسوب شده است.

علاوه بر این، روایتی از امام رضا^{علیه السلام} درباره علّت و فلسفه جهاد و مقاتله در زمان پیامبر اکرم وجود دارد که به نقل از حضرت می‌فرماید: «امرت أن أقاتل الناس حتّى يقولوا «لا اله الا الله»، فاذا قالواها، فقد حرم علیّ دماؤهم و اموالهم.» (قمی، ۱۴۰۴، ۱: ۱۷۲ و ۲: ۶۴؛ حلی، ۱۹۸۲م: ۳۹۹) در این روایت، پیامبر اکرم خود را مأمور به جهاد با مردم می‌دانسته‌اند تا زمانی که کلمه «لا اله الا الله» بر زبانشان جاری شود. در واقع ایشان از فشار جنگ و جهاد برای وادار کردن مردم به پذیرش دین اسلام و در نهایت، ایمان‌آوری ایشان استفاده می‌کرده‌اند و این امر نشان می‌دهد که ایمان می‌تواند تحت تأثیر موقعیت‌های خاص اجتماعی، شکل گیرد.

علاوه بر آنچه ذکر شد، در قرآن کریم آیاتی وجود دارد که از افزایش ایمان مؤمنان در بحبوحه جنگ خبر می‌دهد: ﴿الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ﴾ (آل عمران: ۱۷۳)

به گفته برخی مفسران (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۴: ۶۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۳: ۱۷۸)، سرّ افزایش ایمان در چنین موقعیت‌های اجتماعی سختی که اولاً جنگ درگرفته است و ثانیاً اخبار ناخوشایندی مخابره می‌شود، این است که طبیعت آدمی به هنگام شنیدن نپی از ناحیه کسانی که نسبت به آن‌ها حسن ظنّ ندارد، در تصمیم خود حریص‌تر و مصمم‌تر می‌شود. گویی نیروهای خفته‌اش بیدار و تصمیم‌ش قوی‌تر می‌گردد. به‌خصوص هنگامی که خود را در انجام امری محقّ و سزاوار دانسته است. در واقع فرارگیری فرد در چنین شرایط اجتماعی دشواری، موجب افزایش ایمان او به هدف و مسیر می‌شود و نیروی او را دو چندان می‌سازد.

امّا علاوه بر این، مفسران یافتن حقایق و وعده‌های الهی را در بحبوحه جنگ و جهاد، امری دانسته‌اند که می‌توانست موجب افزایش ایمان شود؛ چرا که پیش‌تر از طریق وحی خبردار شده بودند که به زودی در راه خدا آزار خواهند دید تا آن‌که به اذن خدا سرنوشتشان معین و تمام شود. وعده‌ای که خدا به آنان داده فرا برسد و آن وعده نصرتی بود که جز در جنگ محقق نخواهد شد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۴: ۶۴). بدین ترتیب می‌توان شرایط دشوار جنگ و جهاد

را زمینه‌ای بر تولید ایمان دانست.

نتیجه‌گیری

بررسی شواهد و متون دینی نشان می‌دهد که «ایمان» در موقعیت‌ها، بافت‌ها یا ساختارهای اجتماعی متفاوتی شکل می‌گیرد، تقویت و استمرار می‌یابد و یا تضعیف یا زوال می‌پذیرد. کاوش میان آیات و روایات، نمایان‌گر سه محور کلی در این رابطه است: «پیوندهای اجتماعی» که شامل «پیوندهای خانوادگی»، «پیوندهای دوستی» و «پیوند میان فرد و پیامبران و رهبران معنوی و عالمان دینی جوامع» می‌شود و هر یک با توجه به نوع تأثیرگذاری خود و رویکردهای متفاوتی که اثرگذاران نسبت به ایمان دارند، تأثیری منفی یا مثبت بر ایمان فرد می‌گذارند و بدین ترتیب می‌توانند موجب شکل‌گیری، تقویت و استمرار و یا تضعیف و زوال ایمان باشند. «فرهنگ و سنت‌های اجتماعی» که جزئی جدانشدنی از زندگی اجتماعی بشر است، نیز در تولید ایمان نقش دارند. اساساً گاه برخی آموزه‌های دینی مورد پذیرش فرهنگ جامعه واقع شده، جزئی از ارزش‌ها و هنجارهای آن دانسته می‌شود. این امر خود در تقویت و استمرار ایمان مؤثر است؛ چنانکه گاه «ایمان» با معنای عام آن (عقدالقلب) به پیروی از آداب و رسوم و سنت‌های گذشتگان در افراد شکل می‌گیرد و افراد را به دلیل پایداری و تعصب نسبت به سنت‌های اجتماعی، به تقابل با پذیرش دعوت انبیا یا گزاره‌های پیشنهادی آن‌ها وامی‌دارد. همچنین بحران‌ها و موقعیت‌های خاص اجتماعی، همچون بلایا و فشارها و سختی‌های اجتماعی که نمونه بارز آن را می‌توان «جنگ و جهاد» دانست، در تولید ایمان نقش عمده‌ای ایفا می‌کنند. تبیین این مسئله با توجه به دو نکته امکان‌پذیر است. شکل‌گیری ایمان و تجلی روشنای ایمان در قلب افراد - بر مبنای آیات قرآن کریم - در موقعیت‌های سخت صورت می‌گیرد. و نیز گاه فشار وارد شده بر افراد در موقعیت‌های سخت، آنان را به پذیرش ایمان وادار می‌سازد. این هر دو نشان‌دهنده تأثیر بحران‌ها و موقعیت‌های خاص اجتماعی بر «تولید ایمان» است.

منابع

قرآن مجید

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۹۸ق)، التوحید، تحقیق: هاشم حسینی، قم، جامعه مدرسین.
۲. ابن فارس، احمد، (۱۴۰۴ق)، معجم مقاییس اللغة، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.

۳. آگ برن، ویلیام فیلدینگ و مایر فرانسیس نیم کوف، (۱۳۸۸)، زمینه جامعه‌شناسی، اقتباس و ترجمه: امیر حسین آریانیپور، چاپ دوم، تهران، انتشارات گستره.
۴. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، (۱۴۱۰ق)، *عمر الحکم و درر الکلم*، تحقیق: سید مهدی رجائی، چاپ دوم، قم، دارالکتاب الاسلامی.
۵. جمعی از علماء، (۱۳۸۱)، *الأصول الستة عشر*، تحقیق: ضیاء الدین محمودی و دیگران، قم، موسسه دارالحديث الثقافیة.
۶. حسینی زبیدی، محمد مرتضی، (۱۴۱۴ق)، *تاج العروس من جواهر القاموس*، تحقیق: علی هلالی و علی سیری، بیروت، دارالفکر.
۷. حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر، (۱۹۸۲م)، *نهج الحق و کشف الصّدق*، بیروت، دارالکتاب البنانی.
۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق)، *مفردات الفاظ القرآن*، تحقیق: صفوان عدنان داوودی، بیروت دمشق، دارالقلم دارالشامیة.
۹. زمخشری، محمود بن عمر، (۱۴۰۷ق)، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل*، تصحیح: مصطفی حسین احمد، چاپ سوم، بیروت، دارالکتاب العربی.
۱۰. شریف الرضی، محمد بن حسین، (۱۴۱۴ق)، *نهج البلاغه*، تحقیق: صبحی صالح، قم، هجرت.
۱۱. صدیق اورعی، غلامرضا و دیگران، (۱۳۹۹)، *مبانی جامعه‌شناسی (مفاهیم و گزاره‌های پایه)*، چاپ دوم، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۲. طباطبایی، سیدمحمدحسین، (۱۳۹۰ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چاپ دوم، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات.
۱۳. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تصحیح: فضل الله یزدی طباطبایی و هاشم رسولی، چاپ سوم، تهران، ناصر خسرو.
۱۴. طوسی، محمد بن محمد، (۱۴۱۴ق)، *الأمالی*، تحقیق: مؤسسه البعثة، قم، دارالثقافة.
۱۵. علم الهدی، علی بن حسین، (۱۹۹۸م)، *امالی المرتضی*، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره، دارالفکر العربی.
۱۶. فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، چاپ دوم، قم، نشر هجرت، ۱۴۰۹ق.
۱۷. فلسفی، محمد تقی، (۱۳۷۹)، *الحديث، گردآورنده: مرتضی فرید*، چاپ دهم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۸. فیض کاشانی، محمد محسن، (۱۴۱۵ق)، *تفسیر الصافی*، تحقیق: حسین اعلمی، چاپ دوم، تهران، مکتبة الصدر.
۱۹. قرائتی، محسن، (۱۳۸۸)، *تفسیر نور*، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.

۲۰. قمی مشہدی، محمد بن محمد رضا، (۱۳۶۷)، *کنز الدقائق و بحر الغرائب*، تحقیق: حسین درگاہی، تهران، نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (سازمان چاپ و انتشارات).
۲۱. قمی، علی بن ابراہیم، (۱۴۰۴ق)، *تفسیر القمی*، تحقیق: طیب موسوی جزائری، چاپ سوم، قم، دارالکتب.
۲۲. کاشانی، فتح‌الہ بن شکرالہ، (۱۳۱۳)، *منہج الصادقین فی الزام المخالفین*، تهران، کتابفروشی اسلامیہ.
۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، تحقیق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، چاپ چہارم، تهران، دارالکتب الاسلامیہ.
۲۴. کوش، دنی، (۱۳۸۱)، *مفہوم فرهنگ در علوم اجتماعی*، ترجمہ: فریدون وحید، تهران، سروش.
۲۵. کوفی اہوازی، حسین بن سعید، (۱۴۰۲ق)، *الزہد*، تحقیق: غلامرضا عرفانیان یزدی، چاپ دوم، قم، المطبعة العلمية.
۲۶. گیلدز، آنتونی، (۱۳۷۸)، *جامعہ‌شناسی*، ترجمہ: حسن چاوشیان، ویراست چہارم، تهران، نشر نی.
۲۷. مازندرانی، محمد صالح بن احمد، (۱۳۸۲ق)، *شرح الکافی (الاصول و الروضہ)*، تحقیق: ابوالحسن شعرانی، تهران، المکتبۃ الاسلامیہ.
۲۸. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار*، تصحیح: جمعی از محققان، چاپ دوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲۹. مجلسی، محمد تقی، (۱۴۰۶ق)، *روضۃ المتقین فی شرح من لایحضرہ الفقیہ*، تحقیق: حسین موسوی کرمانی و علی پناہ اشہاردی، چاپ دوم، قم، موسسہ فرهنگی اسلامی کوشانیپور.
۳۰. مصطفوی، حسن، (۱۳۶۸)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳۱. مفید، محمد بن محمد، (۱۴۱۴ق)، *تصحیح اعتقادات الامامیہ*، تحقیق: حسین درگاہی، چاپ دوم، قم، کنگرہ شیخ مفید.
۳۲. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۱)، *تفسیر نمونہ*، چاپ دہم، تهران، دارالکتب الاسلامیہ.
۳۳. نوری، حسین بن محمد تقی، (۱۴۰۸ق)، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، تحقیق: موسسہ آل البیت علیہ السلام، قم، موسسہ آل البیت علیہ السلام.
۳۴. ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی، (۱۴۱۰ق)، *تنبیہ الخواطر و نزہۃ النواظر المعروف بمجموعۃ ورام*، قم، مکتبۃ الفقیہ.
35. Sumner, Collin (2004), *The Social Nature of Crime and Deviance*, in C, Sumner (ed.), *The Blackwell Companion to Criminology*, Mainstreet, Blackwell Publications.